



نوروز روز شادی طراوت و اعتدال

رها شدن از الزامات اجتماعی، روزمرگی و امور تکراری است.

آنچه که در تأسیس و ایجاد این آداب حایز اهمیت است، دیرپا بودن و حضور درازمدت در جامعه است که لازمه آن تطابق با فطرت، روحیات و روان انسان می‌باشد. در غیر این صورت، به مرور زمان آداب و رسوم در جامعه کم رنگ شده و در نهایت، محو خواهد شد.

در این میان، عید نوروز به عنوان عید ایرانیان با پیشینه تاریخی طولانی به این دلیل پایدار مانده که تمامی ویژگی مذکور را دارا بوده و پیوند انسان و طبیعت را مستحکم کرده و شادی فراوان جسمی و روحی را به وجود آورده و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و طبیعت را رشد داده است.

نوروز جشن و آیینی به درازی تاریخ می‌باشد. اسطوره‌شناسان و باستان‌شناسان ردپای نوروز را

در جوامع گوناگون بشری جشن‌ها و عیدهای مختلفی وجود دارند که هدف اصلی و کارکرد عمده آن‌ها ایجاد شادی و نشاط در جامعه است. این هدف که پاسخ‌گوی یکی از نیازهای مهم انسان است، از راه‌های مختلف به دست می‌آید که یکی از آن‌ها شرکت در جشن‌ها و مراسم سرور و شادمانی می‌باشد.

تاکنون تعاریف مختلفی از شادی و شادمانی ارایه شده اما درک عموم از شادی، حالتی است که به انسان دست می‌دهد و باعث خنده و لبخند می‌شود. این حالت زمانی دست می‌دهد که انسان نیل به خواسته‌هایش را عملی و امور جاری را مطابق میل و آرزوهایش می‌بیند.

در چارچوب این نیاز انسان، در جوامع مختلف آداب و رسومی به وجود می‌آید که هدف عمده آن ایجاد موقعیتی برای شادی کردن مردم و

پنهان با زندگی مادی و معنوی انسان گره خورده و از همین رو، انسان به سادگی قادر نیست دست از آن بردارد.

گستره معنایی نوروز به وسعت معنای زندگی است و اگر سرگذشت نوروز را در تمام ابعادش مورد توجه قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که این پدیده از ذخیره‌ها و گنجینه‌های پربها و گران‌سنگ فرهنگ اساطیری، دینی و ملی ما است و شگفت این‌جا است که این سه عنصر یعنی اسطوره، دین و ملیت، چنان درهم تنیده که جدا کردن آن‌ها از هم امکان ندارد. در واقع، راز ماندگاری نوروز یکی همین ترکیب عناصر یاد شده و دیگری دمسازی و هماهنگی دگرگونی طبیعت با روح و سرشت انسان است که هر دو، هیچ‌گاه سکون نمی‌شناسند و دایم در تغییر و تحول هستند.

یکی از جالب‌ترین جنبه‌های فرهنگ عمومی و بومی ایرانیان این است که با طبیعت دشمن نیست و می‌خواهد با آن کنار بیاید، در حالی که در جوامع امروزی سعی می‌کنند تا بر طبیعت چیره شوند. در فرهنگ ما کوشش می‌شود تا طبیعت را در اختیار بگیرند و دمساز کنند نه آن‌که محوش نمایند. این فرهنگ زمستان را دوست دارد و نمی‌خواهد زمستان نابود شود، زیرا اگر زمستان نباشد ذخیره آبی از بین می‌رود و به همین دلیل آیین‌هایی چون «عمو چله جون» را مطرح می‌کند. عمو چله جون آیینی است که با زمستان وداع می‌کند و به زمستان می‌گوید: بارک الله، تو برو تا سال دیگر منتظرت هستیم تا بیایی. برایش آیین برگزار می‌کنند، آش درست می‌کنند، تا لب رودخانه او را همراهی می‌کنند و کسی هم به آن اهانتی

تا سپیده‌دمان تاریخ بشری کاوی کرده‌اند. بر این اساس، نوروز چنان یک جشن بهاری حکایت‌گر هماهنگی و همگامی انسان با بیداری طبیعت و نوزایی هستی است.

نوروز علیرغم ریشه طولانی تاریخی با هر زمانه‌ای هماهنگ و دمساز می‌شود و از جانب دیگر زمانه را با خود تطبیق می‌دهد و همین ویژگی راز ماندگاری همیشگی آن در قرون متمادی می‌باشد.

ایرانیان پرچمدار این جشن جهانی هستند که در قرون متوالی آن را حفظ و به نسل‌های بعد از خود انتقال داده‌اند. نوروز با مسلمان شدن ایرانیان در پرتو معارف اسلامی وجهه‌ای دیگر یافت و از غنای معنوی و عرفانی بالایی برخوردار شد و به این دلیل بود که نوروز با روح اسلام، سنت معنویت و وحی‌انیت قرآن هم سویی و خویشاوندی عمیق داشت.

نوروز در واقع آیین طبیعت است که عامل مراودات روحانی انسان با طبیعت و رستاخیز بهاری گیاهان و جانوران می‌باشد که همه آن‌ها از منظر وحی‌انیت قرآن، تسبیح خدا می‌گویند و در هر بهار به تعبیر مولانا دست نیایش به سوی مبدأ خود و ذات باریتعالی می‌کشایند.

تا دیرزمانی جشن‌های دیگری مثل سده و مهرگان در سطوحی کمابیش هم‌سنگ نوروز پاس داشته می‌شدند و مردم این جشن‌ها را با شور و هیجان بسیار زیادی برگزار می‌کردند اما با همه این احوال، هیچ کدام از این جشن‌ها، اهمیت و گستردگی نوروز را نداشته، زیرا این عید و نو شدن پدیده بی‌بدیلی است که جایگزینی برای آن متصور نیست. این پدیده با هزاران ریشه و رابطه آشکار و

نمی‌کند (۱). در واقع، همه این آیین‌ها درون‌مایه نوروز را بیان می‌کنند و نشان می‌دهند که نوروز جشن اعتدال است. جشنی که هیچ کدام از این دو سو، در عین حال که در نبرد با هم هستند با نوروز تضاد ندارند. نوروز هماهنگ‌کننده بین این دو نبرد است، یعنی بین زمستان و تابستان هماهنگی ایجاد می‌کند. یکی سوزاننده است و خشک می‌کند و دیگری با سرمایش همه چیز را فسرده می‌کند، در حالی که نوروز تعادلی را بین این دو به وجود می‌آورد (۱).

عناصر مشترک دمساز با روحیه و ذوق انسان در نوروز چندان زیاد است که آن را مقبول طبع‌ها فرهنگ‌ها و تربیت‌های گوناگون می‌سازد. در واقع وفور آیین‌هایی در مجموعه آداب نوروز که همه نمادین و رازگونه و در عین حال، شور آفرین و مبتنی بر ایجاد حلقه‌های مهر و محبت و تحکیم روابط عاطفی هستند و به تقویت همبستگی کمک می‌کنند و تمامی آن‌ها هم تهی از غم و اندوه هستند، از یک سو و هماهنگی و دمسازی با بخش پرتپش و زایا و متعادل طبیعت از سوی دیگر ارزش‌هایی انسان‌پسند با تأثیرگذاری گسترده‌ای هستند که نوروز را محور دوستی بین ملت‌ها قرار می‌دهد. شاهد مثال این که در برداشت نمادین و سمبلیک، مردم ایران، تساوی شب و روز را در نخستین روز نوروز به نشانه عدالت می‌گرفتند در حالی که عدالت یک نیاز آرمانی در میان همه ملت‌ها است (۱).

نکته آخر در باب نوروز این است که درون‌مایه این عید شادی، زایش و زیبایی می‌باشد که با روح و فطرت انسان هم‌خوانی دارد و به همین دلیل

دامنه آن نه در میان ایرانیان بلکه در میان ملل دیگر و هم‌جوار گسترش می‌یابد.

نشریه رازی این عید بزرگ ملی و جهانی را خدمت تمامی همکاران عزیز تبریک می‌گوید و آرزو می‌نماید که سال جدید، سالی خوش و مبارک برای تمامی مخاطبان محترم مجله رازی باشد.

در این جا و بر طبق سنت هر ساله گزارشی در مورد نشریه به عرض خوانندگان عزیز می‌رسد.

در سال گذشته مانند چند سال قبل به دلیل درخواست مشترکان نشریه رازی تلاش‌هایی برای برقراری مجدد بازآموزی از راه دور به عمل آمد اما متأسفانه دفتر بازآموزی وزارت بهداشت با درخواست مجله موافقت ننمود. امید است در آینده چنین نباشد.

نکته آخر این که ماهنامه دارویی رازی در سال گذشته با فشارهای مالی جدی مواجه بود و به همین دلیل هیأت تحریریه با ایثارگری و فداکاری بسیار به فعالیت خود ادامه داد تا مخاطبان رازی از دریافت مجله مورد علاقه خود محروم نگردند. تلاش ما در جهت حل مشکلات مالی از راه‌های گوناگون است که امید داریم به نتیجه رسد.

دکتر سید محمد صدر

منبع

احمد پناهی سمنانی م. جشن جهانی (گفت‌وگو). روزنامه همشهری ۱۳۸۳، (۲۷ اسفند)؛ ۳۶۶۳